

## حرص به مثابه فقر؛ آسیب‌شناسی فرهنگ مصرف از منظر آموزه‌های اسلامی

مسلم طاهری کل‌کشوندی / استادیار گروه شیعه‌شناسی دانشکده الهیات دانشکده فارابی دانشگاه تهران muslimtaheri@ut.ac.ir  
دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۴ - پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۳

### چکیده

مصرف و فرهنگ معطوف به آن، رکنی مهم در جوامع امروزی به‌شمار می‌آید که در افقی از معرفت و هویت هر جامعه‌ای سامان می‌یابد. فقر نیز پدیده‌ای اجتماعی است که ریشه در مسائل اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد و می‌توان از زوایای گوناگونی به آن نگریست. تحقیق حاضر به‌منظور دستیابی به چارچوبی نظری در تحلیل سبک مصرف در جوامع انسانی - به‌طور عام - و مسئله «حرص» - به‌طور خاص - از منظر آموزه‌های اسلامی صورت گرفته است. سؤال اصلی این است که تمایل به زیاده‌روی در مصرف از سوی برخی افراد در جامعه اسلامی، به گونه‌ای که مصداق اسراف است و ریشه در حرص دارد، در چه زمینه‌ای شکل گرفته و چه آسیب‌هایی برای جامعه به بار می‌آورد؟ فرضیه اصلی تحقیق این است که خروج از اعتدال در مصرف سبب دوری از الگوی صحیح مصرف مبتنی بر نگرش وحیانی در جامعه خواهد شد و این ریشه در سنجی از فقر - به معنای فرهنگی آن - دارد و نتایجی همچون دگرگونی ارزش‌ها، افزایش فساد، انحرافات اجتماعی و نزاع در مصرف هرچه بیشتر به دنبال دارد. روش تحقیق توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. پس از مقدمه، چارچوب مفهومی پژوهش ترسیم گردیده، سپس الگوی مصرف حریصانه در جامعه اسلامی آسیب‌شناسی شده است. در ادامه، مطابق ادله قرآنی و روایی و مستندات عقلی، زمینه‌های شکل‌گیری حرص بررسی شده و در ادامه، راهکارهایی در زمینه اصلاح الگوی مصرف ارائه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: حرص، فقر، مصرف، الگوی مصرف، آموزه‌های اسلامی.

«امر اقتصادی» (the economic) در جوامع انسانی با مسئله تولید ثروت، توزیع آن و کمیت و کیفیت مصرف چنین ثروتی در سه سطح خرد، متوسط و کلان تعین می‌یابد و همواره در حال تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل از سایر امور حیاتی جامعه، همانند «امر سیاسی»، «امر اجتماعی» و «امر فرهنگی» است.

از سوی دیگر، دین اسلام دین اعتدال و دوری از افراط و تفریط در تولید ثروت، مصرف و توزیع آن است. بدین‌روی در قرآن و احادیث همواره بر میانه‌روی و استفاده عاقلانه از اموال مشروع و منابع قابل دسترس، اعم از منابع طبیعی و انسانی تأکید شده است. اسلام با افراط و تفریط مخالف است و آن را برای زندگی دنیوی و اخروی مضر می‌داند و همواره کوشیده با القای نظامی معنایی از ارزش‌ها، پیروان خود را از هرگونه اسراف و تبذیر برحذر دارد.

بنابراین، اسلام، هم از اسراف منع کرده و هم از سختگیری در هزینه‌های زندگی؛ یعنی نباید به بهانه پرهیز از اسراف، در دامن خساست و سختگیری در هزینه‌ها گرفتار شد. در اسلام لزوم رعایت اعتدال پیش از آنکه امری رفتاری تلقی شود، ریشه در افق معرفتی افراد جامعه دارد که باید به‌مثابه یک بُعد از فرهنگ دینی در ساحت اندیشه تعین یابد و سپس در زندگی به رفتاری اجتناب‌ناپذیر تبدیل گردد و به تبع آن، تجمل‌گرایی کنار گذاشته شود؛ زیرا زندگی اشرافی و حرص بر مصرف بیش از حد روح عاطفی انسانی را از بین می‌برد و انسان را نسبت به دیگران بی‌تفاوت می‌سازد.

رعایت اعتدال در مصرف بیش از آنکه موجبات صرفه‌جویی را فراهم آورد، موجب آرامش روحی و روانی انسان می‌گردد و جامعه را از فقر فرهنگی و تنگدستی اقتصادی نجات می‌دهد و موجب شرافت، عزت اجتماعی و خشنودی الهی می‌گردد.

از این‌رو، در جامعه اسلامی که بیشتر افراد آن به مبانی ارزشی اسلام پایبند بوده و فرامین قرآن و عترت را همواره مدنظر دارند، الگوی مصرف باید به‌گونه‌ای باشد که سرمایه‌های لازم را برای رشد و پیشرفت مادی و معنوی آنان را فراهم آورد؛ زیرا فقدان الگوی صحیح مصرف در جامعه، موجب مصرف بیش از حد و در نتیجه، اتلاف و «اسراف بخش اعظمی از سرمایه‌های ملی، تضییع اموال عمومی و نعمت‌های الهی» می‌شود (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱/۱/۱۳۷۶) و ظرفیت‌های کشور را به سمت مصرف سوق می‌دهد و همین، معضلی بر سر راه شکل‌گیری حیات طیبه خواهد شد.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که «چرا گروهی از افراد جامعه اسلامی در زمینه مصرف به زیاده‌روی و به عبارت دیگر، حرص در مصرف دچار می‌شوند، تا جایی که می‌توان برخی از اعمال آنان را مصداق بارز اسراف نامید؟»

در پاسخ به این پرسش باید به امکانات، توانمندی‌ها و ظرفیت‌های بسیار جامعه اسلامی توجه کرد که به سبب مصرف بی‌رویه در مسیر پیشرفت جامعه قرار نگرفته، تباه می‌شود. توجه به آمار رسمی و غیررسمی منتشرشده در

زمینه کمیت و کیفیت مصرف جامعه اسلامی ایران، مشخص می‌کند که بخشی از ظرفیت‌های عظیم کشور به علت الگوی غلط مصرف در سطوح گوناگون در حال هدر رفتن است. (برای نمونه، ر.ک: [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)). این مسئله از بخش انرژی گرفته تا تغذیه و استعدادهای درخشان علمی و فرهنگی را دربر می‌گیرد. بخشی از مصرف حریصانه در جامعه اسلامی متوجه بخش عمومی/ دولتی و بخش دیگر نتیجه عملکرد خصوصی/ فردی است. وقوع این وضعیت در هر دو بخش حاکی از غلط بودن الگوی مصرف و غلبه فرهنگ مصرفی نامطلوب است که در جامعه امروز ایران به چشم می‌خورد.

بدین‌روی تحقیق حاضر در پی آسیب‌شناسی از ریشه‌های الگوی غلط مصرف حریصانه در جامعه اسلامی است و چنین مصرفی را به‌مثابه نوعی فقر در نظر گرفته است. همچنین درصدد یافتن راه‌های علاج این آسیب‌ها و معضلات برآمده است.

در پیشینه تحقیق حاضر می‌توان به برخی از آثار که به مسئله حرص پرداخته‌اند اشاره کرد: برای نمونه، رساله دکتری با عنوان *حرص، بخل و حسد از دیدگاه فقه اهل‌البیت* (یزدانی، ۱۳۹۹) درصدد پاسخ به این سؤال است که دیدگاه عالمان دینی درباره حکم فقهی حرص، بخل و حسد چیست؟ وی با روش تحلیلی - توصیفی و با هدف دستیابی به ادله معتبر بر احکام موضوعات مزبور و آثار فقهی مترتب بر آنها، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به تحقیق پرداخته است.

رساله دکتری با عنوان *بازسازی معنایی فقر: تحلیل گفتمان‌های تاریخی فقر در ایران* (پیری، ۱۳۹۵) برای خارج ساختن فضای غالب مطالعات فقر در جامعه ایرانی کوشیده و درصدد است گفتمان جدید فقر را با آنچه در تاریخ سنتی ایران وجود دارد، مقایسه کند و با مطالعه سیر تطورات گفتمانی فقر به چگونگی تبدیل شدن آن به مسئله‌ای اجتماعی بپردازد.

برخی از مهم‌ترین سؤالات تحقیق عبارتند از: در تاریخ جدید ایران چه گفتمانی از فقر وجود دارد؟ و فقر چگونه مسئله‌ساز می‌شود؟ در دوره‌های قبلی ایران چه صورت‌بندی گفتمانی از فقر وجود داشت؟ و چه رخدادهایی موجب شد گونه جدیدی از گفتار و کردار راجع به فقر به وجود آید؟

پایان‌نامه‌ای با عنوان *حرص از منظر قرآن و روایات* (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۴)، به روش «توصیفی» مفهوم «حرص» و زمینه‌های ایجاد و راهکارهای رفع آن را واکاوی کرده است.

اما ابعاد مسئله تحقیق حاضر شامل توصیف و تبیین مسئله حرص در مصرف و فقر ناشی از مصرف حریصانه است که می‌توان در سبک زندگی اسلامی و الگوی مقبول مصرف در این سبک زندگی آن را دنبال کرد و مبنایی برای آسیب‌شناسی وضعیت موجود در عرصه مصرف بی‌رویه و خارج از اعتدال جامعه اسلامی فراهم آورد. پس از آسیب‌شناسی، راه‌حلی برای برون‌رفت از این وضعیت در سه سطح کلان، متوسط و خرد به جامعه ارائه می‌شود تا الگوی مصرف در جامعه اسلامی اصلاح گردد و زمینه‌های پیشرفت در بخش اصلی و نرم‌افزاری تمدن نوین

اسلامی را که مقام معظم رهبری به نام «سبک زندگی» معرفی نمودند فراهم آورد و الگوی نابی از آن برای حیات اجتماعی بشریت در عصر حاضر ارائه دهد.

## چهارچوب مفهومی پژوهش

### الف. حرص

«حرص» در آموزه‌های اسلامی یک ویژگی انسانی دانسته شده که در تعامل با دیگران جهت‌گیری خاصی می‌یابد. گاهی حرص یک رذیله اخلاقی و مذموم و گاهی یک خلق نیکو و ممدوح معرفی شده است. آنجا که حرص بر تنعم بیشتر از دنیا، بدون توجه به مقصد غایی انسان فعال شده باشد مذموم، و زمانی حرص بر کسب رضایت الهی قرار گرفته باشد ممدوح تلقی شده است.

در آیات قرآنی، تحقق، تداوم و تثبیت حرص مذموم در حیات انسانی ریشه در افق معرفتی انسان دارد؛ به این معنا که میزان حرص - به‌مثابه فقر معرفتی و فرهنگی - به فروکاستن افق حیات به همین دنیای طبیعی بستگی دارد؛ تا جایی که انسان از مرگ می‌ترسد و ترک دنیا برای او عذابی ناگوار می‌شود:

«وَلْتَجِدْنَهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُرَخَّرٍ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ» (بقره: ۹۶).

حرص به زندگی دنیا برای یأس از نعیم آخرت است؛ چون مستغرق کفر شدند و می‌دانستند نصیبی نیست آنان را با این حال در هیچ‌یک از خیرات بهشت و کسانی که مایوس از رحمت خدا شدند یهودند که حریص‌ترین مردم به دنیا هستند، حتی از اهل شرک که مجوسند و معتقدند به انحصار نعیم به دنیا و انتظار خیری در آخرت ندارند و اینکه مجوس از میان مردم اختصاص به ذکر یافته برای زیادتی ملامت یهود است که آنها با آنکه معتقد به جزا نیستند، حرصشان به دنیا از اینها کمتر است. پس یهود که معتقد به دار جزا هستند و حریص‌تر از مجوسند به دنیا، معلوم می‌شود برای آن است که یقین دارند تا مُردند وارد جهنم می‌شوند و این است نکته عطف خاص بر عام. حقیر عرض می‌کنم البته کسی که یقین داشته باشد به مجرد مرگ وارد آتش می‌شود بیشتر طالب حیات است (تقفی، تهرانی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۴۶).

امیرمؤمنان علی<sup>ع</sup> می‌فرمایند: «علامت مشتاق به ثواب آخرت، بی‌رغبتی نسبت به شکوفه (خرم و بی‌ثبات) دنیای نقد است. بی‌رغبتی زاهد نسبت به دنیا، از آنچه خدای عزوجل برایش از دنیا قسمت کرده کاهش ندهد، اگرچه زهد کند؛ و حرص شخص حریص بر شکوفه دنیای نقد، برایش افزونی نیلورد، اگرچه حرص می‌زند. پس مغبون کسی است که از بهره آخرت خود محروم ماند» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۹).

یا ایشان در خطبه‌ای که معروف به خطبه «وسيله» است در باب حرص می‌فرمایند: «تمایل و رغبت به دنیا کلید رنج‌هاست، و احتکار (و اندوختن مال دنیا) مرکب ناراحتی و تعب است، (و رشک و) حسد آفت دین است، و

حرص (و آز) انسانی را به افتادن در پرتگاه گناهان کشاند، و همان موجب حرمان (و نومیدی و بی‌بهره‌گی) است» (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۸).

اینکه باید به مسئله حرص در یک چارچوب فرهنگی نگریست به سبب تأثیرگذاری و تأثیرپذیری آن از حیات انسانی و نظام معنایی حاکم بر آن است. اگرچه سویه‌های شخصی دارد، اما تحقق‌اش به حیات جمعی مرتبط است. امیرمؤمنان<sup>ع</sup> در این زمینه می‌فرماید: «ای مردم، عجیب‌ترین چیزی که در انسان است دل اوست، و این دل دارای موادی از حکمت (و فرزاندگی) است و چیزهای ناپسندی بر خلاف حکمت. پس اگر امید در آن پیدا شود طمع خوار و زبونش کند، و اگر طمع بدان هجوم کند حرص هلاکش سازد» (همان، ج ۱، ص ۳۰ و ۳۱).

اسراف و تبذیر در مصرف هم به فرهنگ انسانی مرتبط است. بدین‌روی، در کلام معصوم<sup>ع</sup> آمده است: «شریف‌ترین ثروت و توانگری و اگذاردن آرزوست. بردباری سپر ندراری است. حرص نشانه فقر است. بخل جامه رویین مستمندی است» (یعنی: حرص بر شخص بخیل جامه مستمندی پوشانده است) (همان، ج ۱، ص ۳۲).

مصرف در فرهنگ اسلامی به‌مثابه مسیری برای تأمین نیازهای ضروری تلقی شده است؛ همچنان‌که منشأ گرفتاری آدم و حوا و خروج آنان از بهشت الهی را حرص بر مصرف چیزی دانسته‌اند که از آن نهی شده بودند؛ زمانی که خدای - عزوجل - به آنان فرمود: «از هر چه می‌خواهید بخورید، ولی به این درخت نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید بود» (بقره: ۲۵). اما آدم و حوا چیزی را گرفتند که بدان احتیاجی نداشتند، و این خصلت تا روز قیامت در ذریه آنها رخنه کرد. از این‌رو، بیشتر آنچه را آدمیزاد می‌طلبد بدان احتیاجی ندارد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۳، ص ۱۹۹).

از امام صادق<sup>ع</sup> روایت شده که از امام باقر<sup>ع</sup> نقل فرمودند: «شخص حریص بر دنیا، مانند کرم ابریشم است که هرچه بیشتر ابریشم بر خود می‌پیچد راه بیرون‌شدنش دورتر و بسته‌تر می‌گردد، تا آنکه از غم و اندوه بمیرد» (همان، ج ۴، ص ۴).

نیز امام صادق<sup>ع</sup> فرمودند: «بی‌نیازترین مردمان کسی است که گرفتار حرص نباشد» و فرمودند: «دل‌های خود را به آنچه از دست رفته است، نبندید تا افکارتان را از آمادگی برای آنچه نیامده بازدارید» (همان). امام صادق<sup>ع</sup> همچنین حرص را عجین با زیست انسانی تعبیر نموده‌اند. ایشان می‌فرمایند: «خداوند دری از دنیا بر بنده نگشاید، جز اینکه بمانند آن دری از حرص بر او بگشاید» (همان، ص ۷).

### ب. چیستی سبک زندگی در حوزه مصرف

امروزه اصطلاح «سبک زندگی» (Life Style) کاربرد عامیانه گسترده‌ای یافته و اغلب برای توصیف چیستی و چگونگی مصرف در حوزه‌هایی همچون مسکن، خوراک و پوشاک در زندگی فردی به‌کار می‌رود. اما این مفهوم کلیت بیشتری دارد و دامنه وسیعی از امور عینی و ذهنی را دربر می‌گیرد.

برخی «سبک زندگی» را مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره می‌دانند که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها و بنابراین، برخوردار از نوعی وحدت است. برخی دیگر «سبک زندگی» را مجموعه‌ای از طرز تلقی‌ها، ارزش‌ها، شیوه‌های رفتاری و سلیقه‌های افراد می‌دانند (بورديو، ۱۳۸۰، ص ۳۲). اما به‌طور کلی، این مفهوم الگوهای روابط اجتماعی، سرگرمی، مصرف، مد و پوشش را دربر می‌گیرد و حتی نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی فرد و گروهی را که عضو آن است نیز بازمی‌نمایاند.

براین اساس، در بررسی سبک زندگی باید به عوامل گوناگونی توجه کرد؛ اما آنچه با سبک زندگی پیوندی عمیق و ناگسستگی یافته، مصرف (در تمام ابعاد و جنبه‌هایش) است. در واقع، بحث از سبک‌های زندگی در جامعه‌ای موضوعیت دارد که مصرف انبوه است و فرهنگ مصرف‌گرایی در آن رواج دارد. این مصرف‌گرایی در جامعه‌ای رخ می‌دهد که در آن فزونی کالاهای مادی وجود دارد؛ پدیده‌ای که در عصر حاضر شاهد آن هستیم. در ادامه به چیرستی «سبک زندگی اسلامی» خواهیم پرداخت:

### جایگاه سبک زندگی اسلامی در گستره حیات اجتماعی

براساس مفهومی عام که مستند به لغت و عرف عام است، سبک زندگی اسلامی شامل همه امور زندگی انسان می‌شود. اگر مواجهه‌ای توصیفی به مسئله «سبک زندگی اسلامی» داشته باشیم، موضوع این‌گونه طرح می‌شود که انسان‌ها چگونه زندگی می‌کنند؟ چه عواملی در زندگی‌شان مؤثر است؟ و نوع زندگی ایشان تابع چه عواملی است؟ اما اگر آن را به صورت تجویزی و توصیه‌ای در نظر بگیریم باید طرحی ایده‌آل مبتنی بر معرفت و حیانی ارائه داد که انسان‌ها باید در زندگی‌شان چگونه رفتار کنند؟ تأکید سبک زندگی اسلامی بر اعتدال در زندگی بوده و درصدد است روشن سازد که رفتار انسان‌ها تابع چه عواملی است؟ چه متغیرهایی در آن مؤثر است؟ و یا چه تغییراتی را می‌توان در آن ایجاد کرد؟ یعنی در مجموع، زندگی انسان از آغاز تا انجام، تحت تأثیر چه عواملی شکل گرفته است و چگونه می‌توان آنها را تغییر داد؟

سبک زندگی سنتی - دینی با مایه‌ها و جوهره شیعی و گرایش‌های اهل‌بیتی مردم ایران از استحکامی دیرینه و پشتوانه برخوردار است؛ اما سبک زندگی در جامعه ایرانی در بیش از یکصد سال اخیر تحولات عمیق و ریشه‌داری داشته و همواره مسئله تماس، برخورد، پذیرش، طرد، مقابله و یا همزیستی میان فرهنگ سنتی - اسلامی / ایرانی و ورود فرهنگ غربی و اروپایی که حامل تجدد و مدرنیته - به‌معنای دقیق کلمه است - مطرح بوده و هنوز هم این موضوع در قلب تحولات فکری فرهنگی جامعه قرار دارد. بنابراین بین آنچه «سبک زندگی اسلامی» می‌خوانیم (وضعیت مطلوب) و آنچه امروز در جامعه جاری است (وضعیت موجود) تفاوت‌ها، تعارض‌ها و تناقض‌هایی وجود دارد که ریشه آن را در ادامه بررسی خواهیم نمود.

## مصرف در دنیای امروز

«مصرف» به معنای خرج کردن و هزینه کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۳، ص ۲۱۰۰۹).

اهل لغت «مصرف» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «استفاده کردن از چیزی یا بهره‌برداری کردن از آن، که با کاهش یا استهلاک آن چیز همراه است» (انوری، ۱۳۸۱، ص ۷۰۷۳).

برخی نیز مصرف را به معنای جای صرف و خرج کردن و محل خرج کردن آورده‌اند (عمید، ۱۳۸۱، ص ۲۲۵۸). در مجموع، مصرف واژه‌ای عربی است که در زبان فارسی به «هزینه» و در زبان انگلیسی از آن به «Consumption» و «Consume» تعبیر می‌شود و مصدر میمی و اسم زمان و مکان است. از این رو، باید آن را به معنای خرج کردن و زمان و مکان خرج نمودن دانست (کلاتتری، بی‌تا).

مصرف انسان را می‌توان به دو قسم تقسیم کرد:

- مصرف‌های اصلی / ضروری؛

- مصرف‌های فرعی یا تفننی.

این دو با هم بسیار فرق دارند. مصرف‌های اصلی مصرف‌هایی هستند که سرشت انسان ایجاب می‌کند. از خصوصیات این نوع مصرف، محدود بودن آن از نظر کیفیت، نوع و شکل است؛ مثل غذا و لباس که از گذشته دور تا به حال تغییر چندانی نکرده است و ما به آن نیاز داریم.

نیازهای اصلی بر دو قسم است:

- نیازهای مادی؛ مثل خوراک، پوشاک و مسکن؛

- نیازهای معنوی؛ مانند حب ذات، دگردوستی و خدادوستی.

همان‌گونه که پیداست، در این دو دسته، به مصرف‌های فرعی و تفننی نیازی نیست. مصرف‌های فرعی و تفننی را خود انسان به وجود می‌آورد و از نظر کیفیت، نوع و شکل بسیار نامحدود است و از گذشته تا کنون دامنه آن هر روز بیشتر وسعت یافته است.

نیازهای فرعی و تفننی خود دو گونه است:

- نیازهای مثبت و ارجمند؛ مثل هنر و ادبیات؛

- نیازهای منفی و انحرافی؛ مانند تجمل‌گرایی، معنویت‌گرایی کاذب، اعتیاد به مواد مخدر، سرگرمی به لذایذ و مشغول شدن به آرزوها و خیالات واهی (ر.ک: حجر: ۳). یعنی در حقیقت، انسان در این حالت مقام خود را تا افق حیوانات و چهارپایان پایین آورده است (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۴۰).

## الگوی مصرف از نظر اسلام

«الگو» در لغت، به معنای سرمشق، مقتدا، اسوه، قدوه، مثال و نمونه (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۳۲۴۸) بوده و همچنین به شخص یا چیزی که معیار و نمونه برای دیگران یا دیگر چیزهاست (انوری، ۱۳۸۱، ص ۴۶۰) اطلاق می‌شود.

اما در اصطلاح، می‌توان گفت: «الگو» چارچوبی برای انجام یک فعالیت است که در اینجا برای نشان دادن و بیان آن از ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کنیم. اما منظور از «الگو» در «الگوی مصرف»، مفهوم و سرمشقی است که بر اجرا منطبق است.

از منظر قرآن کریم زندگی انسان هدفمند آفریده شده و برای عملیاتی کردن اهداف مذکور (از قبیل عبودیت، قرب و رضای الهی و حیات طیبه) امکاناتی در نظر گرفته شده تا انسان بتواند با بهره‌گیری از آنها به مطلوب خود در زندگی برسد.

برای نمونه، خدای متعال می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ» (لقمان: ۲۰)؛ مگر نمی‌بینید که خدا هرچه را در آسمان‌ها و زمین هست رام شما کرد؟ و نعمت‌های خویش را آشکارا و نهان بر شما کامل ساخت؟ (و باز) بعضی از مردم بدون علم و هدایت و کتاب، درباره خدا مجادله می‌کنند.

البته اسلام در استفاده از این امکانات و بهره‌گیری از مسخرات الهی چارچوب مشخصی تعیین نموده که مصرف باید در آن محدوده و با آن شرایط خاص انجام شود (ر.ک: بقره: ۱۸۸).

به‌طور کلی دو شرط اصلی برای الگوی مصرف مقبول اسلام وجود دارد: یکی «حلال بودن» چیزی و دیگری «طیب بودن» آن که بهره‌برداری و استفاده از چیزی را مشروع می‌سازد.

از سوی دیگر، اسلام صرف وجود این دو شرط را ملاک مصرف قرار نداده است. به‌عبارت دیگر، سؤالی که در اینجا باید پرسیده شود این است که آیا اگر چیزی حلال و طیب بوده انسان می‌تواند هرقدر خواست از آن استفاده کند؟ در پاسخ باید گفت: خیر؛ زیرا حد مصرف آنچه مشخصات فوق را داشته باشد نیز در اسلام مشخص شده، و آن «اعتدال» در مصرف و دوری از «اقتار» و «اسراف» است (ر.ک: فرقان: ۶۷). بنابراین ضروری است الگوهای مصرف در جامعه را براساس پاسخ اسلام نسبت به تقسیم‌بندی الگوهای مصرف در جامعه انسانی تبیین نماییم.

با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان به دو دسته الگوی مصرف اشاره کرد: ۱. الگوی مصرف مسرفانه؛ ۲. الگوی مصرف معتدلانه. در ادامه، هریک از این الگوها را تبیین خواهیم کرد:

### ۱. الگوی مصرف مسرفانه

«اسراف» کلمه جامعی است که هرگونه زیاده‌روی در کمیت و کیفیت و بیهوده‌گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ص ۱۴۹). این کلمه قریب ۲۳ بار در آیات قرآن به کار رفته است. «اسراف» از ریشه «سرف» در لغت به معنای تجاوز کردن و از حد گذشتن در هر کاری است که از انسان سر بزند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۴۰۷). برخی نیز «اسراف» را گزاف کاری کردن، در گذشتن از حد میانه، از حد تجاوز کردن، افراط، زیاده‌روی در تذبیر، اتلاف، ... (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۲۶۹) معنا کرده‌اند.

کلمه «اسراف» در اصطلاح، به معنای خارج شدن از حد اعتدال و تجاوز از حد (به سمت افزایش) در هر عملی است که انسان انجام می‌دهد (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۷۶).

الگوی مصرف مسرفانه درباره استفاده ناقص یا نادرست یا بیش از حد نیاز از کالاهای مصرفی یا سرمایه‌ای است که توسط فرد یا افرادی در جامعه انجام می‌گیرد.

امام صادق ع می‌فرماید: اسراف آن است که برای مال، فسادآور و برای بدن، زیان‌آور باشد (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴، ص ۵۴). اگر کسی در خوردن، آشامیدن، پوشیدن، آمیزش و سواری، میانه‌روی را رعایت کند (و اسراف ننماید) استفاده‌اش حلال، وگرنه حرام خواهد بود (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۳).

از نشانه‌های این الگوی مصرف می‌توان به سه نکته ذیل اشاره کرد که امیرمؤمنان علی ع آنها را این‌گونه ذکر می‌کنند: «خوردن نابجا، پوشیدن نابجا و خریدن نابجا» (ر.ک: صدوق، ۱۴۰۳، ص ۹۸). همچنین بزرگ‌ترین زیان این الگوی مصرف برای فرد و جامعه، فقر و محرومیت از روزی (ر.ک. کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۲؛ ورام‌بن ابی‌فراس، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۰)، منع از خودسازی (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ش ۸۱۳۲)، عدم استجابت دعای فردی و اجتماعی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۵۱۱؛ ج ۵، ص ۶۷) اتلاف سرمایه‌های ملی و مانند آن است.

## ۲. الگوی مصرف معتدلانه

در تعالیم و حیاتی اسلام بر تشویق به تولید و اعتدال و قناعت در مصرف تأکید شده است. آیات و روایات متعددی بر این اصل دلالت دارد. رفاه و آسایش واقعی انسان در مصرف بی‌رویه حاصل نخواهد شد، بلکه در بی‌نیازی و استقلال از دیگران است. اگر انسان بتواند خود را از تعلقات دنیوی برهاند و بی‌نیاز سازد، راحت‌تر زندگی خواهد کرد تا اینکه بخواهد با مصرف بی‌حساب، خود را بی‌نیاز کند (نمازی شاهرودی، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۶۱۶).

برای مثال، برخی با مصرف سرسام‌آور اقلام مصرفی، مثل مسکن مجلل، اتومبیل گران‌قیمت و سایر مصارف غیرضروری و شیک، خود را بی‌نیاز فرض می‌کنند. برخی نیز خود را از کالاهای مزبور و سایر زواید زندگی بی‌نیاز می‌بینند. اکثر قریب به اتفاق روایات و احادیث و دلالت‌های عقلی، جامعه اسلامی را به سمت معیشت و عبادت میانه و معتدل هدایت می‌کند (ر.ک: مفید، ۱۴۱۳، ص ۲۲۲).

برای نمونه، از امام صادق ع روایت شده که فرمودند: «خدا دارایی و مال را نزد افراد به امانت گذاشته و به آنان اجازه داده است که با میانه‌روی بخورند و بیاشامند و بپوشند و آمیزش کنند و از مرکب بهره گیرند» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۱۳).

از جمله آثار و نتایج الگوی مصرف معتدلانه در حیات فردی و اجتماعی افراد جامعه می‌توان به گسترش ارزش‌های عمومی (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۲۲)، آرامش روانی جامعه در سایه امنیت اقتصادی، جلوگیری از فقر فردی و عمومی (ورام‌بن ابی‌فراس، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۷؛ صدوق، ۱۴۰۳، ص ۹)، حفظ استقلال و عدم وابستگی (کلینی،

۱۳۶۵، ج ۴، ص ۵۳)، استجابت دعا (همان، ج ۲، ص ۵۱۱)، نهادینه شدن فرهنگ قناعت و زهدورزی در جامعه که در روایات «ثروت بزرگ‌تر» معرفی شده است (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۱۸) اشاره نمود.

بنا بر سه الگوی معرفی شده در این بخش، الگوی مصرف در جامعه را واکاوی می‌کنیم و براساس استدلالات مزبور، بر آسیب‌شناسی الگوی مصرف حاکم بر جامعه تمرکز خواهیم نمود:

### آسیب‌شناسی الگوی حریصانه مصرف

با توجه به جایگاه ویژه الگوی مصرف در هویت‌یابی زیست انسانی، ضروری است به بررسی عمیق عوامل مؤثر بر پیدایش الگوهای مصرف غیراسلامی (مقترانه و مسرفانه) که ممکن است جامعه اسلامی را از درون بیوساند، بپردازیم و عواقب این آسیب‌ها را دقیق‌تر بررسی کنیم. نگرشی که انسان امروزی نسبت به خود و جهان دارد اقتضا می‌کند که او خود و نیازهای مادی‌اش را اصل بینگارد و همه عزم و همت خود را مصروف تأمین آنها نماید.

اسراف صفت ذاتی تمدن جدید غرب است، درحالی‌که اعتدال در معیشت و پرهیز از اسراف صفت ذاتی تمدن اصیل اسلامی. در جهت آسیب‌شناسی الگوی مصرف در جامعه، ضروری است عوامل مؤثر بر پیدایش الگوهای مصرف غیراسلامی در زندگی مردم را در سطوح سه‌گانه کلان، متوسط و خرد جست‌وجو کنیم:

#### ۱) مصرف حریصانه در سطح کلان

امروزه دینداران در حال عبور از یک بحران هویتی‌اند (دیویس، ۱۳۸۷، ص ۲۶۱)؛ زیرا جهان اجتماعی با تمام ساختارهای خود در معرض فشار سیاست‌های غیردینی و حتی ضددینی برخی از جریان‌های قدرت و سلطه قرار گرفته است. با این تفسیر، «جامعه مصرفی» امروز یکی از معضلات اساسی است که گریبان جامعه بشری را گرفته است. ایجاد نیازهای کاذب و دامن زدن به مقوله مصرف در جوامع (رفیع‌پور، ۱۳۸۶، ص ۲۵) نه تنها کمکی به آسایش بشر نمی‌کند (کیویستو، ۱۳۷۸، ص ۵۵-۵۶)، بلکه جامعه را دچار نوعی فقر معرفتی و فرهنگی می‌کند. این شرایط که از سوی قدرت‌های رسانه‌ای و جریان‌های مسلط بر اقتصاد و فرهنگ جهان، حاکم گردیده سبب شده است بخش اعظم ظرفیت حیات انسانی برای تأمین نیازهای حریصانه، غیرضروری و مصرفی متمرکز شود.

مجری این‌گونه طرح‌ها در سطوح کلان، معمولاً دولت‌ها هستند. دولت‌ها ممکن است براساس برنامه‌های بلندمدت خود، مصرف بعضی کالاها را توصیه کنند و یا با استفاده از ابزارهای مالیاتی، تعرفه‌های قیمت‌گذاری را از برخی کالاهای مصرفی مردم بردارند. این در حالی است که مردم هر روز تصویر شکوهمند کالاهای مادی را در وسایل ارتباط جمعی (تلویزیون، ماهواره، اینترنت، تبلیغات دیواری، روزنامه‌ها، نمایشگاه‌ها) می‌بینند؛ اما دستیابی به آموزش و راه‌های ارتقا برای کسب پول به‌منظور خرید آن کالاها برای همه مردم به‌طور مساوی فراهم نیست (دیویس و استاز، ۱۹۹۰، ص ۳۸).

در مقابل، دولت‌ها برای حمایت از تولیدکننده داخلی، با اتکا بر قوانینی مثل عوارض گمرکی مضاعف بر واردات کالاهایی که در داخل تولید می‌شود، می‌توانند مصرف‌کننده را به سوی کالای داخلی متمایل کنند، و یا - مثلاً - برای سلامت جامعه و جلوگیری از فشار به اقشار آسیب‌پذیر، به کالاهایی همچون شیر و دارو و کالاهای بنیادی یارانه پرداخت کنند. در غیر این صورت، مشاهده مصرف در میان طبقه اشراف و مقایسه آنها با خود از سوی فقرای جامعه، باعث وقوع انحرافات در جامعه خواهد شد (ر.ک: رفیع‌پور، ۱۳۸۲، ص ۱۰۰)؛ زیرا احساس نابرابری در برخورداری از امکانات و نوع مصرف در بین اقشار گوناگون مردم، باعث نارضایتی و دلزدگی خواهد شد و مصرف انبوه و لذت بردن از آن اصالت پیدا خواهد کرد.

از مصادیق اسراف در این سطح می‌توان به اتلاف ثروت‌های عمومی در بخش‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی (همچون انواع انرژی، بیت‌المال عمومی) (پیام رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۵/۱/۱؛ همو، بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۱/۱)، انجام مسافرت‌های خارجی بیهوده پرخرج و احياناً فسادآور (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹/۱/۱)، برگزاری همایش‌هایی در سطوح ملی و بین‌المللی پرهزینه و غیرضروری (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۸/۱۰/۴)، صرف بخش عمده‌ای از بودجه سالانه به هزینه‌های جاری کشور به جای سرمایه‌گذاری‌های بادوام و پایدار، درآمدهای ناروا و ثروت‌های بادآورده و برخورداری بیش از حد عده‌ای از ثروت‌های عمومی مملکت به‌خاطر زدوبندهای سیاسی - اقتصادی و جناحی، رانت‌خواری، سیاست‌های غلط اقتصادی و تجمل‌گرایی در سطح حاکمیتی آن، ترجیح کالای خارجی بر کالای ساخت داخل (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۵/۸/۱۸)، و نبود کنترل و نظارت کافی در رعایت استانداردهای لازم در تولیدات داخلی را می‌توان از مواردی دانست که آسیب‌هایی جدی در سطح کلان در زمینه‌الگوی مصرف به نمایش می‌گذارند.

## ۲) مصرف حریصانه در سطح متوسط

این سطح مربوط به تعامل فرد و جامعه به صورت متقابل و دوسویه است. وقتی ارزش‌های اسلامی در جامعه جای خود را به ارزش‌های غیراسلامی بدهد و به تدریج فرایند اجتماعی شدن صورت بگیرد در محیطی که تمایلات دنیاگرایانه شدت بیشتری دارد و افراد جامعه رفتارهایشان را بر مبنای ارزش‌های جدید تنظیم نمایند، براساس نظریه «گزینش عقلانی»، افراد تحت شرایطی که مصرف‌گرایی و ارضای نیازهای کاذب در جامعه گسترش می‌یابد به این جریان تن درخواهند داد، اگرچه ممکن است این رفتارها غیراسلامی نیز باشند؛ مثلاً اینکه فرهنگ مصرف‌گرایی غربی جایگزین فرهنگ دفاع از ارزش‌های انقلاب و ایثار در راه آن شود.

ازجمله آسیب‌ها در این سطح می‌توان به این نمونه‌ها اشاره کرد: فقدان آینده‌نگری و بی‌توجهی به ابعاد توسعه پایدار و همه‌جانبه در زمینه به‌کارگیری منابع و سرمایه‌های مادی و معنوی و مصرف نابجا از آنها، اشاعه روحیه عمومی اسراف در میان شهروندان به‌وسیله تبلیغات بیش از حد در رسانه‌های داخلی، نمایش بیش از حد استفاده

ناجای حکومت و عوامل آن از بیت‌المال عمومی، بی‌توجهی به محتوا در مصرف فرهنگی و توجه به تشریفات و تزئینات ظاهری (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹/۶/۸)، عدم ترسیم الگوی مناسب و معتدل نزد مردم در زمینه الگوی مصرف (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۱/۱) و افراط در تعویض مکرر وسائل و تزئینات محل کار و خانه (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۹/۱/۱) اشاره کرد.

### ۳) مصرف حریصانه در سطح خرد

هر فرد یا خانواده با توجه به محدودیت‌های خود، ترکیبی از کالاها را انتخاب و مصرف می‌کند تا بیشترین رضایت و رفاه را کسب نماید. اگر به موضوع «الگوی مصرف» از بُعد خرد آن نگاه کنیم، متوجه خواهیم شد که به تعداد افراد و خانوارها الگوی مصرف داریم، و جالب اینکه هر فرد یا خانوار مدعی است بهترین الگوی ممکن را انتخاب کرده است.

از ریشه‌های اسراف در این سطح می‌توان به عدم پابندی افراد و خانواده‌ها به رعایت اصول و ضوابط، ملاک‌ها و معیارهای پسندیده عقلی، اخلاقی و اسلامی در انتخاب سبک زندگی و الگوی مصرف و نیز خرید اجناس مصرفی زاید و غیرلازم غربی (بیانات رهبر معظم انقلاب)، تهیه جهیزیه‌ها و مهریه‌های سنگین و گران‌قیمت (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۰/۱۰/۲۶)، خریداری لباس‌های بیش از اندازه نیاز (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۲/۱/۴)، افراط در خرید وسایل تجملاتی و زینتی و تشریفاتی (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۷/۱/۱)، نو کردن وسایل و ابزارآلات تجملی همراه و براساس مد روز (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۱/۱)، خرید خودروهای گران‌قیمت (همان) و به‌طور کلی، مصرف‌گرایی بی‌حد در زندگی (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۷۶/۱/۱) اشاره نمود.

### راهکارهای پیشنهادی در زمینه جلوگیری از الگوی مصرف حریصانه

با توجه به کمیابی منابع و نیاز به تعادل کلان اقتصادی در ساختارهای اجتماعی از یک‌سو، و تلاش برای پیوند با سطحی از معرفت و حیانی معطوف به حیات انسانی از سوی دیگر، تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی ناممکن به نظر می‌رسد، مگر آنکه میزان مصرف منابع کل کاهش یابد؛ به‌گونه‌ای که بیشترین افزایش ممکن در پس‌اندازها و تشکیل سرمایه و اشتغال آزاد و فرصت‌های شغلی حاصل شود. این امر نیازمند اصلاح ساختار اقتصادی در سطوح سه‌گانه (کلان، متوسط و خرد)، به‌ویژه الگوهای مصرف و سرمایه‌گذاری به جای هزینه‌های جاری در هریک از بخش‌های خصوصی و دولتی است. این اصلاح باید با هدف جلوگیری از سرازیر شدن منابع عمومی و خصوصی به سوی کارهایی صورت پذیرد که در تحقق تمدن نوین اسلامی سهمی ندارد.

راهبردهایی که در ادامه خواهد آمد می‌تواند در جهت این اصلاحات زیربنایی در تحقق بخش نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی (یعنی سبک زندگی در زمینه الگوی مصرف) به‌شمار آید:

## یک. فرهنگ‌سازی با هدف تغییر سلیقه مصرف‌کنندگان

با تسریع روند «جهانی‌شدن سبک زندگی آمریکایی» (American Globalization) از چند دهه گذشته تاکنون، کشورهای اسلامی از الگوی مصرفی برگرفته از فرهنگ مصرفی غربی پیروی می‌کنند؛ فرهنگی که ارزش انسان را با تجملات زندگی‌اش و کمیت / کیفیت چیزی که می‌خرد، می‌پوشد و می‌خورد، می‌سندد؛ سبک زندگی مسرفانه‌ای که حتی برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی با توجه به نبود توازن عرضه و تقاضا برای آن چاره‌اندیشی کرده‌اند. برای نمونه، می‌توان به حوزه مصرف انرژی اشاره کرد که فرهنگ مصرف در این زمینه در دنیای غرب به سمت تدبیر متکی بر شرایط محیطی سوق یافته و به کنترل مصرف مسرفانه در این زمینه مبادرت ورزیده‌اند. اما در فرهنگ مصرف انرژی موجود در ایران، آمارها نشان از تفاوت‌های فاحشی در کمیت و کیفیت مصرف این حوزه دارد. در کشورهای اسلامی که تفاوت بین طبقات غنی و ضعیف آشکارتر است، الگوی مصرف حاکم شده است. قربانیان این نوع رقابت در مصرف بیشتر، به زندگانی فراتر از مقدوراتشان دچار شده، ناگزیر برای تأمین کسری ناشی از اختلاف دخل و خرج غیرمنطقی‌شان به روش‌های فاسد و غیراخلاقی پناه می‌آورند. در نتیجه، مصرف کل افزایش، پس‌انداز کاهش و تشکیل سرمایه‌ای که بر پس‌اندازهای داخلی مبتنی است ناکافی باقی می‌ماند. بنابراین کاهش متعادل مصرف در این وضعیت که آن را «زهدگرایی مسئولانه» می‌نامیم، ضرورت جدی می‌یابد. این کار از طریق فرهنگ‌سازی نگه‌داشتن مصرف در حد تحمل جامعه اسلامی باید صورت گیرد و نیازمند تغییر ریشه‌ای در سبک رایج زندگی مردم در امر مصرف، به‌ویژه الگوی مصرف ثروتمندان جامعه است. نهادینه شدن فرهنگ زهدگرایی مسئولانه سبب می‌شود جامعه زاهد، هوشمندانه «از مصرف فعلی خود بکاهد؛ مازاد مصرف را پس‌انداز و آن را در تولید کالاها و خدمات لازم جامعه به کار گیرد» (رشاد و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۱۷۸-۱۸۸). این هدف باید از طرق ذیل محقق شود:

الف) تقویت خداپاوری و نهادینه‌سازی آموزه‌هایی همچون تقوا، قناعت و ایثار در جامعه؛

ب) پیوست فرهنگی سه وزارتخانه «آموزش و پرورش»، «علوم، تحقیقات و فناوری»؛ و «فرهنگ و ارشاد اسلامی» در جهت آموزش آداب صحیح مصرف؛

ج) ورود فناوری‌های چندرسانه‌ای، سینما، تلویزیون، ماهواره، اینترنت - به‌طور عام - و رسانه ملی - به‌طور خاص - به ساخت برنامه‌های آموزشی و مفید به منظور استفاده از هنر رسانه برای آموزش مصرف صحیح و مصونیت‌بخشی کودکان، نوجوانان، جوانان، زنان و مردان جامعه اسلامی در مقابله با پدیده «مصرف‌گرایی» و «اصالت‌زدت»؛ برای مثال رسانه‌ای کردن سبک زندگی علما و اشخاصی که الگوی مصرف صحیحی داشته‌اند به صورت فیلم‌های کوتاه؛

د) ایفای نقش سازنده مساجد و مبلغان اسلامی در معرفی و آموزش الگوی مصرف صحیح اسلامی همراه با تشریح مزایا و پیامدهای مثبت آن در زندگی مردم و ثواب و عقاب الگوهای مقتدرانه و مسرفانه.

## دو. قانون گذاری در عرصه الگوی معتدلانه مصرف در جامعه

علاوه بر راهبرد فرهنگ سازی که توسط سازمان ها و نهادهای اجتماعی در عرصه مصرف صحیح صورت می گیرد، قوای سه گانه حکومتی نیز موظفاند قوانینی متناسب با الگوی مصرف معتدلانه در جامعه به پشتوانه حقوقی و قانونی برای تحقق سبک های اولویت داری که زمینه فرهنگی مناسب تری دارند و نیز نظارت بر حسن اجرا و بهره گیری از ظرفیت قانون تصویب نمایند (قوه مقننه)، و به خوبی به مرحله اجرا درآوردند (قوه مجریه) و در صورت مشاهده تخطی از قوانین موضوعه از سوی مجریان یا مردم، برخورد شایسته و مناسب صورت گیرد (قوه قضائیه). این راهبرد در دو حالت قابل پیگیری است:

۱. قوانین تشویقی ترغیب کننده مردم و مسئولان برای اصلاح الگوی مصرف خود و حرکت به سمت الگوی مصرف معتدلانه در جامعه باشد. برای مثال، در عرصه مصرف انرژی، میزان پرداخت مصرف خصوصی شود؛ به این معنا که حدی برای مصرف انرژی گذاشته شود؛ پایین تر از آن تشویق گردد، تاجایی که استفاده از آن انرژی برای فرد کوشا مادام که مصرف معتدلی داشته باشد، رایگان شود.

۲. قوانین تنبیهی و تأدیبی منع کننده افراد مسرف در زمینه مصرف باشد. برای مثال، در زمینه مصرف انرژی می توان قیمت حامل های انرژی را برای آنهایی که مصرف زیادی دارند و درعین حال پرداخت هزینه ها نیز برایشان اهمیت دارد تصاعدی نمود، یا سهمیه بندی و کنترل مصرف انرژی مانند قطع امکاناتی همچون برق، آب و یا گاز برای آنهایی که مصرف بی حدی دارند و درعین حال پرداخت هزینه ها برایشان اهمیتی ندارد.

## سه. مدیریت مصرف

مصرف به نحو اجتناب ناپذیری مدیریت پذیر است و به تعبیر رهبر معظم انقلاب، این مدیریت باید خردمندانه باشد تا «مصرف کارآمد و ثمربخش شود» (بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۸۸/۱/۱). از نظر مقام معظم رهبری، مصرف، هم از نظر اسلام و هم از نظر عقلای جهان باید تحت کنترل عقل سلیم قرار گیرد. در غیر این صورت با هوا و هوس و یا با خواهش های نفسانی ممکن نیست مصرف مدیریت شود. بنابراین باید مصرف کردن را مدبرانه و عاقلانه مدیریت کنیم و بین تأمین نیازهای ضروری و نیازهای کاذب، اولویت بندی نماییم، سپس الگوی صحیح مصرف را برای تمام سطوح مصرفی تدوین نماییم.

## چهار. بهینه سازی مصرف انرژی

متوسط مصرف انرژی در ایران ۱/۶۷ تن، معادل نفت خام بازاری هر هزار دلار تولید ناخالص ملی است، درحالی که متوسط این رقم در جهان ۰/۲۴ و در کشورهای پیشرفته ای همچون ژاپن معادل ۰/۱ است (وزارت نیرو، ۲۰۰۶). نیز شدت مصرف انرژی الکتریکی در کشور سالیانه ۰/۷ بوده که در مقایسه با شدت مصرف انرژی در جهان دو برابر بیشتر است. با وجود این، متأسفانه طرح های ارائه شده در زمینه بهینه سازی مصرف انرژی تنها به مثابه ابزاری برای

تحقق اهداف بعضاً ناهماهنگ (مانند حذف یارانه‌های انرژی، حذف قاچاق سوخت و توزیع رانت) مطرح می‌گردد. نبود اهداف و دیدگاه‌های مشخص و شفاف در کنار عدم شناخت مسائل اقتصاد ایران، از یک سو، موجب فقدان برنامه‌ای مدون برای انرژی در سطح ملی و از سوی دیگر، ناتوانی در اجرای برنامه‌های انرژی شده است (حاجی‌میرزایی و نادریان، ۱۳۸۶). بنابراین «بهبودسازی مصرف انرژی» به معنای استفاده درست از منابع انرژی (همچون نفت، گاز، برق و آب) در حوزه مصرف عمومی و خانوار، با توجه به ظرفیت‌های نهادی و فنی به شرط عدم تمایل به الگوی مصرف مقترانه یا مسرفانه در جامعه است.

### پنج. کمک به عرصه تولید

انتقال ثروت‌های عمومی در جامعه باید با هدف چرخش از فضای مصرف انبوه به سمت ایجاد تحرک در فضای سرمایه‌گذاری و تولید صورت گیرد. البته شرایط جدید ممکن است فقط به افزایش حجم سرمایه‌گذاری‌ها کمک کند. بدین‌روی، باید مطمئن شد که این افزایش سرمایه‌گذاری به‌سوی تولید کالاها و خدمات شیک و غیراساسی منتقل نشود، بلکه به سوی تولید کالاها و خدمات ضروری و قابل صدور و به سوی تولید کالاهای سرمایه‌ای و مواد اولیه لازم انتقال یابد که موجب اصلاح بهره‌وری صنایع و معادن و قوانین دست‌وپاگیر به‌منظور سرمایه‌گذاری در این عرصه‌های حیاتی جامعه خواهد شد. بدین‌روی، در شرایط جدید، چرخش سرمایه‌گذاری از واردات به سمت خودکفایی و صادرات اتفاق می‌افتد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به سفارش‌های مؤکد اسلام در قرآن شریف و احادیث فراوان و دلایل عقلی معتبر، یگانه سبک زندگی که با مقام انسانیت انسان سازگاری دارد، زندگی متواضعانه‌ای است که از خودستایی، تجمل، تکبر و بزرگی، یا انحطاط اخلاقی سرچشمه نگرفته باشد. این روش‌ها به اسراف یا اکتار می‌انجامد و سبب فشار بر منابعی می‌شود که لازم نیست و از توانمندی اجتماع برای تأمین نیازهای عمومی و اساسی می‌کاهد. این سبک زندگی نامناسب همچنین راه‌های کسب درآمدهای غیرمطلوب را گسترش داده، موجب نابرابری درآمدها شده، نابرابری‌هایی فراتر از توزیع طبیعی - که به وسیله تفاوت‌های مربوط به مهارت، انگیزه، تلاش و ریسک مجاز است - پدید می‌آورد.

این روش‌ها همچنین زنجیره‌های برادری را که از ویژگی‌های اساسی اجتماع مسلمانان است، سست می‌کند. متأسفانه الگوی حاکم بر کمیّت / کیفیت مصرف ایرانیان امروز منطبق بر الگوی مصرف اسلامی (الگوی مصرف معتدلانه) نیست. این وضعیت باید مطمح‌نظر جدی قرار گیرد تا با اصلاحاتی در فرهنگ مصرف در قالب راهبردهای اساسی در سطوح سه‌گانه موجود در جامعه، وضعیت نابسامان جامعه بهبود یابد.

## منابع

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۴۰۴ق، *تحف العقول*، تصحیح علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- اسماعیل زاده، الهام، ۱۳۹۴، *حرص از منظر قرآن و روایات*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه شیراز.
- انوری، حسن، ۱۳۸۱، *فرهنگ بزرگ سخن*، تهران، سخن.
- بورديو، پیر، ۱۳۸۰، *نظریه کنش: دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه مرتضی مردیپناه، تهران، نقش و نگار.
- پیری، صدیق، ۱۳۹۵، *بازسازی معنایی فقر: تحلیل گفتمان‌های تاریخی فقر در ایران*، رساله دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، ۱۳۶۶، *غررالحکم و درر الکلم*، قم، دارالکتب الاسلامی.
- تقفی تهرانی، محمد، ۱۳۷۶، *تفسیر روان جاوید*، تهران، برهان.
- حاجی میرزایی، علی و محمدامین نادریان، ۱۳۸۶، «آسیب‌شناسی برنامه‌های صرفه‌جویی در ایران»، *اقتصاد و انرژی*، ش ۹۰-۹۱، ص ۲۲-۴۴.
- دیویس، چارلز، ۱۳۸۷، *دین و ساختن جامعه؛ جستارهایی در الهیات اجتماعی*، ترجمه حسن محدثی و حسین باب‌الحوایجی، تهران، یادآوران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق، *المفردات فی غریب القرآن*، تحقیق صفوان عدنان داودی، بیروت، دارالعلم.
- رشاد، علی اکبر و همکاران، ۱۳۸۰، *دانشنامه امام علی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- رفیع‌پور، فرامرز، ۱۳۸۲، *تکنیک‌های خاص تحقیق*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۰۳ق، *الخصال*، تحقیق علی اکبر غفاری، چ دوم، قم، جامعه مدرسین.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین.
- عمید، حسن، ۱۳۸۱، *فرهنگ عمید*، تهران، امیرکبیر.
- عیاشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، *تفسیر العیاشی*، تحقیق سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران، چاپخانه علمیه.
- کلانتری، علی اکبر، بی تا، «اسلام و الگوی مصرف؛ درآمدی بر کم و کیف مصرف در عرصه‌های گوناگون براساس فقه و اخلاق اسلامی»، *جمهوری اسلامی*، ش ۱۶، ص ۱۸۱.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۵، *الکافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- کیویستو، پیتر، ۱۳۷۸، *اندیشه‌های بنیادی در جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
- مفید، محمدبن محمدبن نعمان، ۱۴۱۳ق، *الامالی*، چ دوم، قم، کنگره شیخ مفید.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نمازی شاهرودی، علی، ۱۴۱۹ق *مستدرک سفینه البحار*، تحقیق و تصحیح حسن بن علی نمازی، قم، جامعه مدرسین.
- ورام بن ابی‌فراس، بی تا، *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر*، تحقیق علی اصغر حامد، قم، مکتبه الفقیه.
- وزارت نیرو، ۲۰۰۶، *آمار و نمودارهای انرژی در ایران و جهان ۱۳۹۰*، تهران، دفتر برنامه‌ریزی کلان برق و انرژی وزارت نیرو جمهوری اسلامی ایران.
- یزدانی، سیدمحمدعلی، ۱۳۹۹، *حرص، بخل و حسد از دیدگاه فقه اهل‌البیت*، رساله دکتری، مجتمع آموزش عالی فقه - مدرسه عالی فقه و اصول، جامعه المصطفی العالمیه قم.

Davis, Nanette J. & Clarice Starz, 1990, *Social Control Of Deviance: A Critical Perspective*, New York, Mc.Graw Hill.